جستارهای تاریخ اسلام
دوفصلنامه علمی ـ پژوهشی جستارهای تاریخ اسلام
سال پنجم، شماره نهم، بهار و تابستان ۱۴۰۴
صفحات: ۲۶۱-۲۸۲

مطالعه تطبیقی نقش اجتماعی زنان در عصر جاهلی و دوره نبوی

سمیّه سیّار قلعه رودخانی[۱]، فاروق طولی[۲]، مهدی نورمحمدی[۳]

چکیده

یکی از مسائل مهم مطرح درباره اسلام، دیدگاه آن نسبت به بانوان است. مسئله‌ای که در مقایسه با جامعه قبل از اسلام در آن سرزمین می‌توان مشابهت‌ها و تمایزات آن را مشخص کرد. قبل از اسلام، زنان نقش اجتماعی محدود و اغلب کارکردی ابزاری در عرصه‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی داشتند. با ظهور اسلام، این دیدگاه به زنان تغییر یافت و حوزه‌های تازه‌ای برای مشارکت آنان گشوده شد. مسئله اصلی پژوهش، بررسی تطبیقی نقش اجتماعی زنان در جزیره‌العرب پیش و پس از ظهور اسلام است. پرسش محوری آن است که اسلام تا چه میزان و چگونه الگوی مشارکت اجتماعی زنان را نسبت به عصر جاهلیت دگرگون ساخت؟ روش تحقیق، توصیفی ـ تحلیلی با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، شامل آثار تاریخی، روایی و تفسیری است. مدعای تحقیق آن است که اسلام، سه رویکرد تأیید، تغییر و تأسیس را در مواجهه با نقش اجتماعی زنان برای ارتقای جایگاه ایشان در پیش گرفت. برای نمونه، در عصر جاهلی، نقش زنان در بیعت و جنگ، محدود و بیشتر جنبه نمادین یا تحریک‌آمیز داشت، اما در عصر نبوی، این نقش‌ها سازمان‌یافته‌تر و حمایتی شد. همچنین تجارت زنان از مشارکت غیرمستقیم، به فعالیت‌های مستقل گسترش یافت و مشارکت عبادی ـ اجتماعی آنان مانند حج و نماز جماعت از خرافات زدوده شد و رسمیت یافت. این یافته‌ها بازتابی از تغییر نگرش دینی ـ آیینی نسبت به جایگاه زن در اسلام است.

واژگان کلیدی: عصر جاهلیت، دوره نبوی، نقش اجتماعی زنان، بیعت، فعالیت‌های اقتصادی بانوان.

---

۱. کارشناس ارشد تاریخ اسلام از دانشگاه مازندران و دانش‌آموخته سطح سه حوزه علمیه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول)؛ seyedena@chmail.ir.

۲. دانشیار گروه معارف اسلامی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، بندرعباس، ایران؛ Touli.faroogh@hums.ac.ir.

۳. دکتری تاریخ تشیع پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم، ایران؛ m.noormohammadi1351@gmail.com.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۶/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۶

https://jte.jz.ac.ir/article_238907.html

مقدمه

نقش و جایگاه اجتماعی زنان همواره یکی از مباحث مهم و مناقشه‌برانگیز تاریخ اجتماعی جوامع انسانی بوده است. جامعه قبیله‌محور، مردسالار و جاهلی عرب پیش از اسلام، فرصت‌های اجتماعی زنان را محدود ساخته و بیشتر، آن را به کارکردهای ابزاری در عرصه‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی فرومی‌کاست. تنها استثنائاتی مانند خدیجه علیها السلام دختر خُویلد و هِند دختر عُتبه از برخی محدودیت‌ها جسته بودند. این محدودیت‌ها در عرصه‌هایی چون بیعت، حضور در جنگ‌ها و فعالیت‌های اقتصادی مشهود بود. با ظهور اسلام، تحولی بنیادین در نگرش دینی و اجتماعی نسبت به زنان روی داد. پیامبر صلی الله علیه و آله با پذیرش و تقویت برخی نقش‌ها، پالایش از خرافات و ایجاد فرصت‌های تازه، زمینه مشارکت فعال‌تر زنان را در حیات اجتماعی جامعه اسلامی فراهم ساخت.

باتوجه به اینکه برخی بر این باورند که برخلاف آنچه مشهور است، زن در دوران جاهلیت از جایگاه اجتماعی بلندی برخوردار بوده (رضوانی‌کیا و دیگران، ۱۳۹۹، ص۵۴)، هدف اصلی این پژوهش، مطالعه تطبیقی نقش اجتماعی زنان در جزیره‌العرب پیش از اسلام و دوره نبوی است تا ابعاد تحول و تداوم در این حوزه روشن شود. اهمیت تحقیق از آن روست که شناخت این تغییرات نه‌تنها به فهم تاریخی جامعه صدر اسلام یاری می‌رساند، بلکه می‌تواند در تحلیل جایگاه زن در گفتمان‌های دینی ـ اجتماعی امروز، ازجمله فقه اجتماعی زنان یا مطالعات جنسیت در جهان اسلام نقش‌آفرین باشد. ضرورت این پژوهش در پر کردن خلأ مطالعات تطبیقی و منسجم در این موضوع و نیاز جامعه امروز به این نگاه، نهفته است.

تحقیقاتی که می‌توان از آنها به‌عنوان پیشینه نام برد، به دو دسته توصیفی و تحلیلی تقسیم می‌شوند. در هر گروه، برخی به مسئله تحقیق نزدیکند، ولی فاقد نگاه تطبیقی میان عصر جاهلی و نبوی، و برخی دیگر از مسئله تحقیق به دور هستند. برای نمونه، مقاله «زن در سنت و سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جامعه» به قلم زهرا حجازی‌دوست (مجموعه مقالات همایش بزرگداشت بانوی انقلاب اسلامی، ۱۳۹۳)، توصیفی و فاقد نگاه تطبیقی میان دو دوره جاهلی و نبوی است. پایان‌نامه «بررسی و تحلیل جایگاه و نقش زنان در گسترش دعوت نبوی در عصر مکی»

نوشته سعید محمدی، اثری تحلیلی ولی به دور از مسئله تحقیق است. پایان‌نامه «مشارکت اجتماعی زنان در سیره معصومان علیهم‌السلام» اثر ندا نیک‌آیین و پایان‌نامه «بررسی وضعیت اجتماعی زنان در قرن اول و دوم هجری (۴۰-۲۱۸ ق)»، به قلم محبوبه ذوقی سوران نیز توصیفی و به دور از مسئله تحقیق هستند. ازجمله آثار به زبان انگلیسی می‌توان به کتاب لیلا احمد با عنوان *Women and Gender in Islam: Historical Roots of a Modern Debate* (زنان و جنسیت در اسلام؛ ریشه‌های تاریخی یک بحث مدرن) اشاره کرد که یک مرور تاریخی کامل بر نقش زنان عربستان پیش از اسلام تا اوایل اسلام تا بحث‌های مدرن را ارائه می‌دهد. این کتاب، یک منبع عالی برای درک پویایی‌های دوران جاهلیت و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله است، ولی به‌صورت ویژه بر جایگاه اجتماعی و تطبیق آن تمرکز نکرده است.

در این تحقیق، نقش اجتماعی زنان در سه حوزه اصلی سیاسی، نظامی و اقتصادی بررسی و در کنار آن، مشارکت آنان در آیین‌های دینی و اجتماعی تحلیل می‌شود.

۱. نقش سیاسی زنان در قالب بیعت

نقش سیاسی زنان جزیره العرب پیش و پس از اسلام، در قالب بیعت بروز کرده است. بیعت از ماده بیع «ب ـ ی ـ ع» به معنای پیمان و پذیرش ریاست و حکومت کسی یا اعلام وفاداری و فرمانبرداری است (ابن‌منظور، بی‌تا، ص۲۶). در جامعه جاهلی، «بیعت» روشن‌ترین و آشکارترین نماد حرکت اجتماعی و نشانه حضور فعال و واقعی در متن جامعه بود. بیعت، پیمانی اجتماعی با رهبر جامعه و محکم‌کننده جایگاه او در جامعه قبیله‌ای به شمار می‌رفت. در تاریخ اعراب پیش از اسلام، از پیمان‌هایی یاد شده است که زنان نیز در آن مشارکت داشته‌اند.

۱-۱. نقش زنان در بیعت‌های عصر جاهلی

به نظر می‌رسد در بیعت‌های دوران پیش از اسلام نیز زنان حضور داشتند. برای نمونه، هنگامی که قصی‌بن‌کلاب از دنیا رفت، رهبری قبیله قریش را فرزندش، عبد مناف، بر عهده گرفت. او در اداره امور جامعه با مشکلاتی روبه‌رو شد تا اینکه قبایل خزاعه و بنو حارث‌بن‌عبد

منـاف بـا گروهی دیگر بـه دیدارش آمدند و بین آنـان «حلف الاحابیش» منعقد شـد. ازجمله افرادی که در این پیمان مشـارکت داشـتند، عاتکه دختر مره‌بن‌هلال، همسـر عبد مناف بود (یعقوبـی، بی‌تـا، ج۱، ص۲۴۱). ذکر ویژه نام زنان بیعت‌کننده، نشـانه نادر و خاص بودن مشـارکت ایشان در بیعت‌هاست.

۱-۲. نقش زنان در بیعت‌های دوران نبوی

در دوران اسـلامی نیز حق مشـارکت اجتماعی زنان در قالب بیعت در جامعه اسلامی به شـکلی عام‌تـر ظهـور یافت. اولیـن پیمانی که در دوران اسـلامی، زنان در آن حضور داشـتند، پیمـان عقبـه دوم بـود؛ چنان‌کـه مورخان بیـان کرده‌اند در پیمـان مذکور که بیـن برخی اهالی مدینه و پیامبرﷺ واقع گردید، زنان نیز حضور داشـتند. منابع، مردم مدینه را هفتاد مرد و دو زن دانسته‌اند که با حضرت محمدﷺ بیعت کردند (همان، ص۳۹۷). این بیعت زمانی صورت می‌گرفت که مسلمانان به‌شدت از جانب کفّار تحت فشار و آزار بودند. زنانی که در این بیعت شرکت داشتند، نسیبه دختر کعب‌بن‌عمرو از بنی‌مازن‌بن‌نجّار مشهور به «امّ‌عماره» (ابن‌سعد، بی‌تا، ج۸، ص۴۱۲) و اسـماء دختر عمروبن‌عدی از بنی‌کعب‌بن‌سـلمه با کنیه «امّ‌منیع» (طبری، ۱۳۸۷، ج۲، ص۲۶۲) بودند.

همچنین در بیعت رضوان که در سال ششم هجری رخ داد و طی آن مسلمانان مدینه زیر درختـی بـا پیامبرﷺ بر جان خود بیعت نمودند، زنانی نیز حضور داشـتند. به گفته مورخان، این زنان عبارت بودند از امّ‌سلمه، امّ‌عماره، امّ‌منیب و امّ‌عامر اشهلی، و ربیع دختر معوّذ که همگی آنان با حضرت محمدﷺ بیعت کردند (واقدی، بی‌تا، ج۲، ص۵۲۴).

همچنین پس از فتح مکه، زنان برای بیعت نزد رسول خداﷺ آمدند و خداوند آیه ۱۲ سوره ممتحنه را نازل فرمود: «ای پیامبر! اگر زنان مؤمن نزد تو آمدند تا بیعت کنند، به این شـرط که هیچ‌کس را با خدا شریک نکنند و... با آنان بیعت کن و برایشان از خدا آمرزش بخواه، که خدا آمرزنده و مهربان است» (طبری، ۱۳۸۷، ج۳، ص۶۱). پس از نزول این آیه، رسول خداﷺ برای بیعت دستور داد ظرف آبی آوردند و سپس آن حضرت دست خود را در آن گذاشت و از زنان خواست هرکس که خواسـتار بیعت اسـت، دسـت خود را در آن ظرف قرار دهد (قمی، ۱۴۰۴، ج۲، ص۳۶۴).

بر اساس این آیه، رسول خدا ﷺ نه‌تنها زنان را از این عمل نهی نکرد، بلکه از سوی خداوند مأمور شد تا با آنان بیعت کند. درحقیقت قرآن کریم به بیعت با زنان و حضور اجتماعی آنان مانند برخی سنن جاهلی صحّه گذاشت و اصل بیعت با آنان را پذیرفت.

مجموع یافته‌ها نشان می‌دهد که در دوره جاهلی، حضور زنان در بیعت‌های جاهلی، محدود و بیشتر به‌عنوان استثنا و در قالبی نمادین یا غیرسازمان‌یافته بوده است. در مقابل، حضور زنان در بیعت‌های دوران نبوی، با گسترش دامنه و تشریح هویت افراد (نام‌های مشخص) همراه است و پشتوانه‌ای دینی ـ قرآنی دارد که بیعت‌های مهم تاریخ اسلام را مشروع می‌سازد.

۲. نقش نظامی

جنگ و درگیری در میان تمامی جوامع، از اتفاقات مهم و تأثیرگذار به شمار می‌رود، اما اهمیت جنگ در میان قبایل عرب بسیار فراتر از جوامع دیگر بود. جنگ، مشخصه اصلی زندگی اعراب بود و در میان آنان، یکی از سنت‌ها شمرده می‌شد. آنان پیوسته می‌کشتند و کشته می‌شدند و از خون‌ریزی و خون‌خواهی نمی‌آسودند. یکی از دلایل این امر را می‌توان در سختی معیشت و البته تعصبات قبیله‌ای دانست؛ چراکه فردیت عرب جاهلی چنان در قبیله هضم و جذب شده بود که توهین و قتل یکی از افراد قبیله را توهین به تمام افراد قبیله می‌دانستند وهمگی درصدد انتقام برمی‌آمدند. چنان‌که عبدالعزی‌بن‌مالک طایی، شاعر جاهلی، چنین سروده است: چون در طلب و انتقام از قومی باشیم، تا خون ننوشیم، شیر شتر ندوشیم (البحتری، ۱۴۲۸، ص۸۵). با گذشت زمان، جنگ‌ها در میان آنان از چنان جایگاهی برخوردار شد که به‌عنوان ابزاری برای کسب درآمد به شمار می‌آمد و به بخشی از زندگی و حرفه آنان بدل شد. همچنین عنوان حماسه و تاریخ به خود گرفت و به نام ایام العرب مشهور گردید.

۲-۱. نقش زنان در جنگ‌های عصر جاهلی

یکی از عادات اعراب این بود که در جنگ‌ها دختران را بر روی شتران سوار می‌کردند تا در هنگام شدّت جنگ آواز بخوانند و دَف بنوازند تا به این وسیله جوانان را تهییج و تشویق

نماینـد و بـه آنان یادآور شـوند که اگر در جنگ شکسـت بخورند، زنانشـان به دسـت دشـمن می‌افتند. درحقیقت باتوجه‌به تعصب و حساسیت شدید اعراب نسبت به زنان و اسارتشان در جنگ‌ها، از آنان به‌عنوان ابزار جنگ روانی در تهییج و تحریض سپاهیان بهره می‌گرفتند. ایـن زنـان گاهـی شـعر می‌گفتند و مـردان را تشـویق به جنـگ می‌کردنـد و گاهی تنهـا حضور داشتند و درباره آنها شعر گفته می‌شد. در زیر به نمونه‌های هر دو بخش اشاره می‌شود.

یکی از زنان در روز جنگ ذی‌قار چنین می‌سراید: جانم فدای شما باد ای بنی‌عجل! اگر بـر آنان چیره شـوید، به ما برسـید. آنها بـرای ترغیب مردان این گونه ادامـه می‌دادند: اگر پیروز شـوید شـما را دربرگیریـم و فـرش دیبا بگسـترانیم و اگر فرار کنید از شـما دور شـویم (ابوعبیده، ۱۹۹۸، ج۲، ص۱۳۱).

همچنین عمربن‌کلثوم، شـاعر برجسـته این دوران، می‌سـراید: زنان زیبای‌روی از پس ما ایسـتاده‌اند و از بیم اسـارت آنها و اهانت به آنان اسـت که این همه پایداری می‌کنیم. اسبان ما را علف می‌دهند و می‌گویند اگر ما را اسیر دشمن بسازید شوهران ما نیستید (ابن‌ابی‌خطاب، ۱۴۲۴، ص۱۹۳ و ابن‌انباری، بی‌تا، ص۲۷۱).

در همیـن جنگ ذی‌قار اسـت که حنظله‌بن‌ثعلبه برای تشـویق افـراد قبیله‌اش به جنگ، طنـاب هـودج دختـرش، ماریه و زنان دیگر را می‌بُـرد و با این کار به مـردان می‌فهماند اگر فرار کنند نمی‌توانند زنان را با خود ببرند و برای جلوگیری از اسارت زنان و دختران، باید تا آخرین نفس بجنگند (طبری، ۱۳۸۷، ج۲، ص۲۱۰).

نمونـه دیگـر مشـارکت زنـان جاهلـی در جنگ، زمانی اسـت که زنـان قریش به پیشـنهاد صفوان‌بن‌امیـه، همـراه مـردان خـود بـه جنـگ احد آمـده بودنـد. در هـر منزلی که آنـان توقف می‌کردنـد، زنـان بـا دف و دایره بیـرون می‌آمدند و آنان را به جنگ تحریـض می‌کردند. هنگام نبرد نیز آنان پیشاپیش سپاه، طبل و دف می‌زدند و سپس به عقب صفوف سپاه برمی‌گشتند و هـر جـا کسـی را می‌دیدند که از جنگیدن فـرار می‌کند او را به جنگیـدن ترغیب می‌کردند و کشتگان بدر را به وی یادآوری می‌نمودند (ابن‌هشام، بی‌تا، ج۲، ص۶۲).

هنـد، دختر عتبه و همسـر ابوسـفیان، کـه رهبری این زنان را بر عهده داشـت، با سـرودن

اشـعاری، مـردان را بـه جنگ تشـویق می‌کـرد. ازجمله آنکه: اگـر به میدان جنـگ روی آورید، شـما را در آغوش می‌کشـیم و برای شما بسـترهای نرم می‌گسترانیم. اگر پشت به جنگ کنید، از روی بی‌مهری از شما جدا می‌شویم و جدایی ما دیگر دوستی‌بردار نیست (ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۵، ج۱۵، ص۱۲۷).

نقـش زنـان در جنگ‌هـای جاهلـی، تنها بـه تشـویق و تحریض مـردان محدود نمی‌شـد؛ چنان‌کـه در ایـن جنـگ، زمانـی کـه به علت کشـته شـدن پی‌درپـی پرچمـداران قریـش، آثار شکسـت بر آنان هویدا شـد، عمره دختر علقمه حارثی، پرچم به‌خاک‌افتاده آنان را برگرفت و قریشیان آن را برافراشته دیدند و به گرد آن جمع شدند (واقدی، بی‌تا، ج۱، ص۲۰۳). حسان‌بن‌ثابت در این باره چنین سروده است: اگر پرچم دختر حارثه نبود، هر آینه در بازار برده‌فروشان فروخته می‌شدند (ابن‌ثابت، ۱۹۷۴، ج۱، ص۴۸۰).

ام‌عمرو دختر وقدان نیز در تحریک مردان به جنگ سروده‌هایی دارد؛ ازجمله: حال که شما انتقام برادرانتان را نگرفتید، پس سلاح بیفکنید و به دوردست بروید و آنجا سرمه‌دان برگیرید و جامه زنان بپوشید. وای از این قوم بی‌حمیت نادان (مرزوقی، ۱۴۲۴، ص۸۲۹ و ابن‌فورجه، ۱۹۸۷، ص۶۷).

به نظر می‌رسـد این گونه اسـتفاده‌های ابزاری از زنان در دوران عرب جاهلی، برخاسـته از دیدگاه آنان درباره زنان و جایگاه آنان است.

۲-۲. نقش زنان در جنگ‌های دوران نبوی

در عصر اسـلامی، زنان مسـلمان به شیوه‌های گوناگون در جنگ‌ها حضور داشتند. منابع گوناگون، به بیان حضور و اقدامات زنان در جنگ‌های رسول خدا ﷺ پرداخته‌اند. این اقدامات که شـامل فعالیت‌های تبلیغی و فرهنگی، پشـتیبانی و تدارکات و امدادی و درمانی بود، برای پشتیبانی از رزمندگان اسلام و از سوی زنانی شجاع و البته کاملاً داوطلبانه صورت می‌پذیرفت.

۲-۲-۱. کارکرد تبلیغی

کارهای زنان، گاه جنبه تبلیغی نیز پیدا می‌کرد؛ چنان‌که صفیه، عمه رسـول خدا ﷺ، در جنگ احد نیزه‌ای به دست گرفت و درحالی که بر پشت مردان فراری می‌کوفت، می‌گفت: از

رسول خدا ﷺ فرار کردید (ابن‌سعد، بی‌تا، ج۸، ص۴۱۳). همچنین هند دختر اثاثه بن عباد بن مطلب در جنگ بدر با سرودن اشعاری به پاسخ‌گویی اشعار هند دختر عتبه می‌پرداخت (ابن‌اثیر، ۱۴۰۹، ج۶، ص۲۸۸).

۲-۲-۲. کارکرد درمانی و تدارکاتی

گاهی حضور زنان در صحنه‌های سخت نبرد، برای پشتیبانی و مداوای مجروحان الزامی می‌شد. چنان‌که دختر رسول خدا ﷺ نیز در جنگ‌ها حضوری فعال داشت. در غزوه احد، هنگامی که کار جنگ سخت گردید و گروهی از مسلمانان شهید و مجروح شدند؛ درحالی‌که رسول خدا ﷺ نیز زخمی شده و از پیشانی حضرت خون جاری بود، علی ؑ با سپر بر روی زخم حضرت آب می‌ریخت و فاطمه ؑ زخم حضرت را شست‌وشو می‌داد. چون دید آب جلوی خون‌ریزی را نمی‌گیرد، قطعه حصیری را سوزاند و خاکستر آن را بر روی زخم نهاد و از خون‌ریزی بیشتر جلوگیری نمود (واقدی، بی‌تا، ج۱، ص۲۴۹).

در این نبرد، علاوه بر حضرت فاطمه ؑ، چهارده تن از زنان، برای مجاهدان غذا و آب می‌بردند و مجروحان را مداوا می‌کردند (بخاری، بی‌تا، ج۵، ص۳۸). برای نمونه، ام‌ایمن (ابن‌سعد، بی‌تا، ج۸، ص۲۲۵)، ام‌سلیم و زنان دیگری از انصار نیز با اجازه مستقیم پیامبر ﷺ، وظیفه آبرسانی و درمان را به عهده داشتند. ام‌سلیم در جنگ حنین نیز با وجود بارداری، برای یاری مسلمانان حاضر بود (مسلم، ۱۴۱۲، ج۳، ص۱۴۴۳ و ابی‌داود سجستانی، ۱۴۳۰، ج۴، ص۱۸۳). حَمنَه دختر جحش نیز از زنانی بود که در جنگ احد حضور داشت و باوجود اینکه دایی، برادر و شوهرش در این جنگ به شهادت رسیدند، با کمال رشادت و شهامت، همگام با سایر رزمندگان، به مداوای مجروحان می‌پرداخت و به آنان آب می‌رساند (ابن‌سعد، بی‌تا، ج۸، ص۲۴۱).

ازجمله دیگر زنان، ربیع دختر معوذ بود که در جنگ‌های بسیاری شرکت داشت، برای رزمندگان آب تهیه می‌کرد، مجروحان و شهدا را به مدینه می‌رساند و به مداوای مجروحان می‌پرداخت (ابن‌کثیر، ۱۴۰۷، ج۷، ص۳۱۲). «رفیده اسلمیه» نیز بانوی مسلمان مشهوری است که در غزوات شرکت می‌کرد و به مداوای مجروحان می‌پرداخت؛ چنان‌که رسول خدا ﷺ در جنگ خندق خیمه‌ای در مسجد به او داد تا به مداوای مجروحان بپردازد و دستور داد تا

سعدبن‌معاذ را برای مداوا به خیمه او ببرند (ابن‌عبدالبر، ۱۴۱۲، ج۸، ص۱۸۳۸).

برخی زنان، حضور خود در نبردها را گزارش کرده‌اند. برای نمونه، نسیبه دختر حارث نقل کرده است که همراه رسول خدا ﷺ در هفت جنگ شرکت کردم. برای آنان غذا می‌پختم و از بیماران و زخمی‌ها نگهداری می‌کردم (مسلم، ۱۴۱۲، ج۳، ص۱۴۴۷).

امیه دختر ابوصلت غفاری و شماری از زنان بنی‌غفار، و ام‌سنان اَسلمی نیز در جنگ خیبر حضور داشتند (ابن‌سعد، بی‌تا، ج۸، ص۲۹۲-۲۹۳). بانویی دیگر به نام ام‌ابیه، در جنگ خیبر ضمن گفتگو با رسول خدا ﷺ، به بیان خدمات زنان در جنگ، مانند درمان مجروحان، آماده کردن تیرها، سرودن شعر و آبرسانی پرداخت و یادآور شد که این اقدامات، تنها برای جهاد در راه خدا از سوی زنان صورت می‌پذیرد. گرچه رسول خدا ﷺ از حضور بدون اجازه او و پنج زن دیگر در جنگ خیبر ناراحت می‌شود، ولی اجازه ماندن به آنان می‌دهد و پس از پیروزی، آنان را در غنائم جنگ شریک می‌کند (ابن‌اثیر، ۱۴۰۹، ج۶، ص۳۳۴). البته نقش‌آفرینی زنان به‌عنوان پرستار و یا برای کمک‌های تدارکاتی، مورد تأیید پیامبر ﷺ بود و تحت اشراف کامل ایشان صورت می‌پذیرفت. به نظر می‌رسد این گونه نقش‌های زنان در جنگ‌های دوران نبوی، باتوجه‌به از بین رفتن استفادهٔ ابزاری از آنان، بسیار پررنگ‌تر و چشمگیرتر نمایان شده است.

۲-۲-۳. کارکرد دفاعی

زنان علاوه بر حضور در جنگ‌ها برای پشتیبانی و به‌رغم آنکه از جهاد ابتدایی معاف شده بودند، گاه در صحنه‌های سخت، به نبرد نیز مشغول می‌شدند؛ چنان‌که نسیبه دختر کعب، به همراه شوهر و پسرانش در جنگ احد حضور داشت. زمانی که کار جنگ سخت شد و بسیاری از مجاهدان از میدان نبرد گریختند، نسیبه مشک آب را رها کرد و با برداشتن سلاح به دفاع از رسول خدا ﷺ پرداخت و حتی موفق به کشتن تعدادی از مشرکان گردید (ابن‌سعد، بی‌تا، ج۸، ص۴۱۳ و واقدی، بی‌تا، ج۱، ص۲۷۰).

دست به اسلحه شدن زنان، تنها منحصر به دفاع از پیامبر ﷺ نبود. برخی زنان، مانند ام‌سلیم دختر ملحان، در میدان‌های جنگ با خود سلاح حمل می‌کردند تا در مواقع ضرورت از خود دفاع کنند. وقتی که رسول خدا ﷺ از ام‌سلیم، دلیل حمل سلاحش را پرسید، او گفت:

برای آن است که اگر مشرکان به من نزدیک شدند با آن شکمشان را بِدَرم. رسول خدا ﷺ از این کار خنده‌اش گرفت، ولی مانع او نشد (ابن‌سعد، بی‌تا، ج۸، ص۴۲۵). به نظر می‌رسد دلیل آن را می‌توان دفاع از خود دانست.

چنان‌که بیان شد پیامبر ﷺ نه‌تنها زنان را از حضور در جنگ‌ها و صحنه‌های نبرد منع نمی‌کرد، بلکه همان گونه که گذشت، این حضور گاه با اجازهٔ صریح حضرت صورت می‌گرفت. ام‌سنان می‌گوید: هنگامی که پیامبر ﷺ می‌خواست به جنگ خیبر برود، پیش ایشان رفتم و گفتم: آیا می‌توانم همراه شما بیایم و مشک‌های آب را بیاورم و بیماران و مجروحان را مداوا کنم؟ آن حضرت پاسخ داد: در پناه لطف و برکت خدا بیا. بانوان دیگری هم از قوم خودت و جز ایشان در این باره با من گفت‌وگو کرده‌اند و به آنان نیز اجازه داده‌ام (همان، ص۲۹۸). درحقیقت در جنگ خیبر، بیست بانوی مسلمان، ازجمله ام‌سلمه، همسر پیامبر ﷺ و صفیه، دختر عبدالمطلب، أمّ‌عمارة نسیبة دختر کعب، أمّ‌منیع، أمّ‌سلیم دختر ملحان، أمّ‌ضحّاک دختر مسعود حارثیّة و هند دختر عمروبن‌حزام، همراه با پیامبر ﷺ حضور داشتند (واقدی، بی‌تا، ج۲، ص۶۸۵).

عدم ممانعت رسول خدا ﷺ از حضور همسران خود در میدان‌های مبارزه نیز نکته‌ای قابل‌توجه است. چنان‌که ام‌سلمه در جنگ‌های المریسیع، خیبر، فتح مکه، حنین و خندق در کنار رسول خدا ﷺ حضور داشت (همان، ص۴۶۷).

زنان علاوه بر حضور مستقیم در صحنه‌های نبرد، در پشت جبهه برای تدارک نیازمندی‌ها و یاری سپاه اسلام، کمک‌های نقدی و غیرنقدی می‌کردند و بسیاری از آنان به میزان توانایی خود به مجاهدان یاری می‌رساندند. ام‌سنان گوید: در خانهٔ عایشه دیدم پارچه‌ای جلوی رسول خدا ﷺ انداخته‌اند که در آن، دستبندها، خلخال‌ها، گردنبندها و انگشتری‌هایی بود که زنان فرستادند تا سپاه اسلام را یاری دهند (همان، ج۳، ص۹۹۲).

آنچه در این موضوع، واضح و مسلم است آنکه زنان به علت وضعیت جسمانی خود قادر به حضور در جنگ‌ها به‌عنوان یک رزمنده نبوده‌اند و این امر، به عصر جاهلیت یا اسلام اختصاص ندارد. آنچه تفاوت اسلام و جاهلیت را در این موضوع نشان می‌دهد، درحقیقت برخاسته از نگاه جامعه جاهلی و اسلامی به زنان است. چنان‌که گذشت در جنگ‌های

جاهلی، نگاهی جنسی به زنان وجود دارد و برای تشویق مردان از آنان استفاده می‌شد، ولی در جنگ‌های اسلامی، زنان به‌عنوان پشتیبانان جنگ و البته حامیان مردان خود در صحنه حضور داشتند. حضور آنان در جنگ‌ها، داوطلبانه و البته با اجازه رسول خدا ﷺ بوده است؛ چراکه در اسلام، جهاد ابتدایی بر زنان واجب نیست. ازاین‌رو پیامبر ﷺ برای جنگ به دنبال مردان می‌فرستاد، ولی زنان، خود تقاضای حضور در جنگ را برای پشتیبانی از مردان مطرح می‌کردند. این بانوان، در امور تدارکاتی جبهه، ازجمله تخلیه مجروحان، دفن شهدا و تهیه آب و... حضور گسترده‌ای داشتند. از کنار هم گذاشتن گزارش‌ها دربارهٔ حضور زنان در جبهه‌های نبرد، چنین به نظر می‌رسد که پیامبر ﷺ به آن دسته از زنانی که داوطلب اعزام می‌شدند و مهارت لازم را برای کارهای جبهه، مثل مداوای مجروحان، آشپزی، و... داشتند و از شجاعت لازم نیز برای حضور در صحنه جنگ برخوردار بودند، اجازه حضور می‌فرمود. تجربه و سابقهٔ حضور در جنگ، از دیگر ملاک‌های شرکت در نبردها بود. با نگاهی به نام زنان حاضر در غزوات، این مطلب ثابت می‌شود که برخی زنان در چندین نبرد حضور داشته‌اند.

حاصل آنکه در دوران جاهلی، زنان در نبردها بیشتر به‌عنوان ابزارهای جنگ روانی به کار گرفته می‌شدند. در مقابل، در دوران نبوی، نقش زنان به طور قابل‌توجهی تغییر کرد و به‌عنوان پشتیبانان فعال و داوطلب در جنگ‌ها شناخته شدند.

۳. نقش اقتصادی زنان در قالب دادوستد

دادوستد همواره به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های پیشرفت اجتماعی و اقتصادی یک جامعه مطرح است. این موضوع به‌ویژه در جوامع ابتدایی گذشته، از اهمیت بسزایی برخوردار بوده است. در این میان، حضور زنان در این امر می‌تواند علامت رشد و پذیرش آنان در جامعه خود باشد. جامعه جاهلی نیز از این امر مستثنی نبود و دادوستد و البته مشارکت زنان در آن، دارای اهمیت خاصی بوده است؛ چراکه به‌خوبی نشان‌دهندهٔ میزان حضور و پذیرش آنان در جامعه است. در عصر جاهلی از زنانی نام برده شده است که در امر تجارت، چه در عرصه‌های کلان و چه به‌صورت خرد، فعال بودند. البته این امر باتوجه به اقتصاد تجاری شبه‌جزیره عرب در عصر جاهلی، امری دور از انتظار نیست، اما چگونگی این حضور

می‌توانـد مـورد بررسـی قرار گیـرد. البته برخورد و نوع واکنش اسـلام و پیامبرﷺ بـا ایـن موضوع می‌تواند مورد توجه و مداقه باشد.

۳-۱. نقش زنان در تجارت عصر جاهلی

اشـتغال بـه تجـارت و خریدوفروش در جاهلیـت، مخصوص مردان نبـود؛ بلکه زنانی هم بودند که به این کار اشـتغال داشـتند. البته زنان، خود به سـفر تجاری نمی‌رفتند. به احتمال فـراوان، عـدم حضور مسـتقیم زنـان در تجارت، به مسـائلی همچون سـاختار قبیله‌ای عرب، محدودیت‌های عرفی جامعه عربی، عدم امنیت سفر در جغرافیای تجاری آن زمان و دلایلی از ایـن دست بازمی‌گردد (خراسانی پاریزی، ۱۳۹۹، ص۱۹-۲۰).

۳-۱-۱. تجارت‌های کلان

بنـا بـر آنچه گذشـت، زنـان آن دوران، مـردان را به خدمت می‌گرفتند و با ایشـان شـراکت می‌کردنـد. نمونهٔ روشـن ایـن موضوع، حضرت خدیجه علیها السلام اسـت. وی از تاجـران پرآوازهٔ روزگار خـود بود که مردان بسـیاری بـرای او به تجارت مشـغول بودند (بـلاذری، ۱۴۱۷، ج۱، ص۹۷). گاهی نیز برخی زنانی که خود به تجارت نمی‌پرداختند، امانت‌دار اموال شوهران خویش می‌شدند. برای نمونه، ام‌فضل دختر حارث، که امانت‌دار اموال شوهرش، عباس‌بن‌عبدالمطلب، گردید (طبـری، ۱۳۸۷، ج۲، ص۴۶۵). نمونـه دیگـر، ام‌شـیبه دختـر ابی‌طلحـه اسـت که امانـت‌دار اموال همسـرش، حجاج‌بن‌علاط السـلمی، بود (همان، ج۳، ص۱۷). می‌توان این همراهی در تجارت و حفظ اموال را شیوه‌ای دیگر در تجارت غیرمستقیم زنان به شمار آورد.

۳-۱-۲. تجارت‌های خرد

تجـارت زنـان جاهلی، محـدود به معاملات بـزرگ نبود؛ ازایـن‌رو گاه زنان بـرای معاملات کوچک، به قبایل رفت‌وآمد می‌کردند؛ چنان‌که زنی مقداری گوشـت شـتر را به قبیله‌ای برد تا با عطر معامله نماید (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵، ج۱، ص۵۵۷). گرچه هدف او از این کار جاسوسـی بود، ولی ازآنجاکه حضور و عمل او در میان قبیلهٔ دیگر، ظن کسی را برانگیخته نکرد، بنابراین بایستی این کارها در آن روزگار رایج بوده باشد.

از دیگر مشاغل زنان در دوران جاهلیت می‌توان به آرایشگری اشاره کرد که زنانی همچون ام‌غلیان (ابن‌حجر عسقلانی، ۱۴۱۵، ج۸، ص۴۴۷)، آمنه دختر عفان و خواهر خلیفه سوم (ابن‌اثیر، ۱۴۰۹، ج۲، ص۹۵)، بسره دختر صفوان (ابن‌حجر عسقلانی، ۱۴۱۵، ج۸، ص۵۱) و ام‌زفر بدان اشتغال داشتند (ابن‌اثیر، ۱۴۰۹، ج۶، ص۳۳۳). ام‌زفر همان است که به آرایش خدیجه علیها السلام در شب عروسی او با پیامبر صلی الله علیه و آله پرداخت (همان).

همچنین دایگی و پرستاری از کودکان، از کارهای زنان در این دوران به شمار می‌رفت. حلیمه سعدیه، دایهٔ رسول خدا صلی الله علیه و آله، مشهورترین مورد این گونه زنان در تاریخ اسلام است (ابن‌هشام، بی‌تا، ج۱، ص۱۶۰).

از کارهای دیگری که در این دوران به زنان واگذار می‌شد، چوپانی و دامپروری بود. برخی منابع اشاره کرده‌اند که این کار، بیشتر برای دور کردن آنان از خانه و رهایی از ننگ دختردار شدن صورت می‌گرفت (رازی، ۱۴۰۸، ج۲۰، ص۱۶۱).

۳-۲. نقش زنان در تجارت دوران نبوی

چنان‌که در صفحات پیشین ذکر شد، در عصر جاهلی، زنان به تجارت مشغول بودند، اما باتوجه به دیدگاه و فرهنگ حاکم بر جامعه خود، به‌صورت مستقیم به این کار نمی‌پرداختند. همچنین باتوجه به وضعیت اقتصادی جامعهٔ جاهلی، این کار از عهدهٔ زنانی برمی‌آمد که دارای ثروت و سرمایه کافی باشند. درحالی‌که اسلام با اصلاح دیدگاه جامعه دربارهٔ زنان، برای آنان بستر مناسب‌تری فراهم نمود تا خود با سرمایه‌های اندک خویش و به تنهایی و مستقل، به کسب‌وکار هرچند کوچک بپردازند و از این راه برای خود کسب درآمد نمایند.

۳-۲-۱. تأیید اصل تجارت زنان از سوی اسلام

در تأیید اصل تجارت از سوی اسلام می‌توان همان مورد حضرت خدیجه علیها السلام را پیگیری نمود. کار تجارت ایشان پس از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله و بعثت ایشان همچنان ادامه یافت و پیامبر صلی الله علیه و آله نه‌تنها ایشان را از کار تجارت منع نکرد، بلکه یار و کمک‌کار ایشان نیز بود.

این امر، تنها ویژه حضرت خدیجه علیها السلام نبود و در مورد زنان دیگر نیز مصداق داشت. آن

حضرت نه‌تنها آنان را از کسب‌وکار منع نمی‌کرد؛ بلکه توصیه‌هایی برای بهتر شدن کارشان برای آنان بیان می‌فرمود. حتی در بسیاری از موارد، خود به آموزش احکام تجارت اسلامی به زنان می‌پرداخت و آنان را در کار تجارتشان یاری می‌نمود. حولاء، از زنان مدنی و عطرفروش سیار بود. او به خانه‌های مردم مدینه و ازجمله، همسران رسول خداﷺ می‌رفت و به آنان عطر می‌فروخت. روزی رسول خداﷺ وارد خانه شد و او را دید و فرمود: در هنگام فروش عطر، جنس سالم با قیمت مناسب تحویل مردم بده و هرگز در جنس خود تقلب روا مدار؛ زیرا معاملهٔ سالم پاک‌تر است و سبب خیر و برکت مال و درآمد می‌گردد (کلینی، ۱۴۱۱، ج۵، ص۱۵۱). ملیکه، مادر سائب‌بن‌اقرع ثقفیه، دیگر بانوی عطرفروش عصر نبوی است (ابن‌اثیر، ۱۴۰۹، ج۶، ص۲۷۰).

کار و دادوستد زنان و کسب درآمد برای آنان در عصر نبوی، نه‌تنها مورد تأیید اسلام قرار گرفت؛ بلکه رسول خداﷺ به بیان احکام این امر برای زنان می‌پرداخت و آنان را در این مورد راهنمایی می‌فرمود؛ چنان‌که در حوزه تجارت دیگر اجناس، می‌توان به قیله انماریه اشاره کرد. وی اجناسی را از بازار می‌خرید و سپس آنان را می‌فروخت. وی گزارش کرده است که در یکی از عمره‌های رسول خداﷺ، به حضور آن حضرت رسیدم و گفتم: ای رسول خداﷺ! من زنی هستم که خریدوفروش می‌کنم. گاهی کالایی می‌خرم و نخست کمتر از آنچه می‌خواهم و باید بدهم، پرداخت می‌کنم و سپس اندک‌اندک بر آن می‌افزایم تا به همان اندازه‌ای که می‌خواهم می‌رسد و گاهی که می‌خواهم کالایی بفروشم، نخست آن را فراتر از قیمتی که باید بدهم، می‌گویم وسپس اندک‌اندک از بهای آن می‌کاهم و سرانجام به همان قیمت که می‌خواهم، می‌فروشم. پیامبر اکرم(ص) فرمود: ای قیله چنین نکن؛ نه چانه بزن نه قیمت را بالاتر بگو. وقتی می‌خواهی چیزی بخری، از همان آغاز، قیمتی را که می‌خواهی بپردازی، پیشنهاد کن؛ چه بپذیرند و چه نپذیرند. و هنگامی که چیزی را می‌فروشی، از همان آغاز، قیمت نهایی را بگو؛ چه بخرند و چه نخرند (ابن‌سعد، بی‌تا، ج۸، ص۳۱۱).

۳-۲-۲. نمونه مشاغل زنان در دوران نبوی

به جز عطرفروشی و دادوستد که در بالا گذشت، شغل زنانه دیگری که اسلام تأیید کرد،

دایه‌گری و شیر دادن کودکان بود. ام‌برده دختر منذر، دایه ابراهیم، فرزند رسول خدا ﷺ شد و تا پایان حیات کودک به او شیر می‌داد (ابن‌حجر عسقلانی، ۱۴۱۵، ج۸، ص۳۶۳).

در تاریخ اسلام، از زنان صنعتگری مانند زینب دختر جحش نام برده شده است که به کارهای دباغی و دوخت لوازم چرمی مشغول بود و از درآمد خود صدقه می‌داد (ابن‌سعد، بی‌تا، ج۸، ص۱۰۸). این امر نشان از آن دارد که مشاغل زنان، به چند شغل زنانه محدود نمی‌شد و زنان علاوه بر اجازهٔ کار و فعالیت اجتماعی، مالک درآمد خود نیز بودند و آن را به میل خود خرج می‌کردند. درحقیقت، زنانی که در عصر جاهلیت، نه‌تنها مالک چیزی نبودند و ارث نمی‌بردند، بلکه ارث برده می‌شدند، در دوران نبوی از حقوق انسانی برخوردار و مالک دسترنج خویش شدند.

مقایسه نقش زنان در تجارت در دو دوره جاهلی و نبوی نشان‌دهنده تغییرات اجتماعی و فرهنگی است که رخ داده بود. در عصر جاهلی، زنان به‌عنوان موجوداتی با محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی، بیشتر به‌صورت غیرمستقیم در فعالیت‌های اقتصادی مشارکت داشتند. در مقابل، با ظهور اسلام و تأسیس اصول جدید اجتماعی، زنان به‌عنوان شخصیت‌های مستقل و فعال در عرصه‌های اقتصادی شناخته شدند. اسلام با تأکید بر حقوق انسانی و اقتصادی زنان، بستر مناسبی برای مشارکت آنها در تجارت و کسب‌وکار فراهم آورد.

۴. نقش فرهنگی زنان در قالب آیین‌های اجتماعی

بیشترین بروز و ظهور نقش فرهنگی زنان در بازه تحقیق، حضور و تأثیر ایشان در آیین‌های دینی و اجتماعی بود. آیین‌های دینی و اجتماعی در هر جامعه، چکیدهٔ عقاید و آداب و رسوم آن جامعه و فرهنگ به شمار می‌رود. در این میان، حضور زنان در این آیین‌ها می‌تواند نشانگر خوبی برای بیان جایگاه آنان در جامعه و نوع نگرش آن فرهنگ به آنان باشد. حضور زنان در آیین‌های جامعهٔ عربستان پیش و بعد از اسلام، بیانگر خوبی برای بیان وضعیت فرهنگی آنان و البته مقایسه این دو وضعیت است.

۴-۱. نقش زنان عصر جاهلی در آیین‌های اجتماعی

یکی از مراسم دینی و عبادی که سابقهٔ دیرینه‌ای در جزیره العرب دارد، حج و مناسک آن است که سابقهٔ آن به عصر حضرت ابراهیم علیه‌السلام بازمی‌گردد. در دوران پیش از اسلام نیز مراسم حج از اهمیت فراوانی به‌ویژه در جنبه‌های عبادی، اقتصادی و اجتماعی برخوردار بود.

مراسم حج در جاهلیت با خرافاتی همراه بود که حضور اجتماعی زنان را می‌کاست. بر اساس شواهد تاریخی، از رسوم رایج در دوران جاهلیت در ایام حج این بود که زائرانی که با پوشش شخصی خود مناسک طواف را انجام می‌دادند، پس از پایان طواف، مجاز به نگهداری آن لباس نبودند و باید آن را به‌عنوان صدقه اهدا کنند. به همین سبب، بسیاری از حاجیان، پیش از آغاز طواف، به‌جای استفاده از لباس خود، پوششی عاریه می‌گرفتند تا پس از انجام مراسم، آن را به صاحبش بازگردانند. در مواردی که پوشش عاریه در دسترس نبود، لباس را کرایه می‌کردند و چنانچه هیچ‌یک از این دو امکان فراهم نمی‌شد و فرد تنها یک دست لباس داشت، طواف را در حالت برهنگی به جا می‌آورد. روشن است که این امر برای زنان به چه میزان زننده و دشوار است. در یکی از نمونه‌های ذکرشده، زنی جوان و صاحب جمال از اهالی عربستان وارد مکه شد و در جست‌وجوی پوششی برای عاریه یا کرایه تلاش کرد، اما موفق نشد. وی تنها یک لباس به همراه داشت. اطرافیان به او اطلاع دادند که در صورت انجام طواف با همان لباس، ملزم به صدقه دادن آن است. زن در پاسخ اظهار داشت که پوشش دیگری ندارد و امکان صدقه دادن این لباس برایش وجود ندارد. بنابراین، بر اساس باور و رسم حاکم، در حضور جمعیت، مناسک طواف را به‌صورت برهنه انجام داد (قمی، ۱۴۰۴، ج۱، ص۲۸۱).

دلیل دیگری نیز بر طواف برهنه ذکر شده است. بر اساس برخی گزارش‌ها، در جاهلیت بر این باور بودند که نباید در پوششی که پیش‌تر در آن معصیت خداوند صورت گرفته است طواف کنند. ازاین‌رو زنی بیابان‌نشین وارد شهر مکه شد و با خارج ساختن لباس‌های خود، مناسک طواف را انجام داد و شعری بدین مضمون زمزمه می‌کرد: امروز برخی یا تمام بخش‌هایی از بدنم نمایان می‌شود، اما نگاه دیگران بر آن را روا نمی‌دارم (سیوطی، ۱۴۰۴، ج۳، ص۷۸).

۴-۲. نقش زنان دوران نبوی در آیین‌های اجتماعی

در دوران اسلام، حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی، نه‌تنها پذیرفته شد؛ بلکه با حفظ کرامت انسانی آنان نیز همراه گشت. اسلام، مردان و زنان را به حضور در امور اجتماعی فراخوانده و منعی برای زنان قائل نشده است. اسلام، زنان را با مردان در بسیاری از امور اجتماعی شریک دانسته و به‌صراحت در پاسخ به اعتراض اسماء دختر عمیس که چرا زنان همچون مردان، مخاطب آیات قرآن نیستند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج۲، ص۱۱۵)، زنان و مردان را در تمام امور دینی و اجتماعی سهیم دانسته است (احزاب:۳۵).

از دیگر آیات قرآن که بر حضور اجتماعی زنان صحه گذارده، آیات مربوط به تعامل مادر و خواهر موسی علیه‌السلام با فرعونیان است (قصص:۷-۱۳). حضور دختران حضرت شعیب در میان مردان (قصص:۲۳-۲۷) و حضور زنان در زمان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و بردن شکایت در محضر ایشان (مجادله:۱)، نمونه‌های دیگری از این دست به شمار می‌روند.

در سیرهٔ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله نیز از همان ابتدا، حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی، امری پذیرفته‌شده بود. حضور حضرت خدیجه علیهاالسلام در کنار ایشان برای برپایی نماز در مسجدالحرام در میان مشرکان، به‌خوبی گواه این امر است (طبری، ۱۳۸۷، ج۲، ص۳۱۱).

در بررسی نقش اجتماعی زنان در جامعه اسلامی، نکته قابل‌توجه آن است که مشارکت آنان در فعالیت‌های اجتماعی گاه به‌قدری گسترده بود که بعدها به‌عنوان شاهدان وقایع، روایتگر آن حوادث شده‌اند. جایگاه این روایتگری در منابع تاریخی با عنوان «ناقلان حدیث» ثبت گردیده است؛ اصطلاحی که نشان می‌دهد زنان نه‌تنها در متن رویدادها حضور داشته‌اند، بلکه در فرایند ثبت و انتقال میراث شفاهی و مکتوب اسلامی نیز نقش مؤثری ایفا کرده‌اند. ام‌عماره از همین زنان است که در ماجرای صلح حدیبیه و بیعت رضوان حضور داشته و ازجمله کسانی است که این ماجرا و افرادی را که در آن حضور داشته‌اند معرفی می‌نماید (واقدی، بی‌تا، ج۲، ص۶۱۳).

دیگر حضور اجتماعی زنان، به شرکت در نمازها بازمی‌گردد. زنان به همراه مردان برای اقامهٔ نمازهای جماعت عادی و خاص، مانند نماز عید فطر، از خانه‌ها خارج می‌شدند و در

اجتماع مسلمانان شرکت می‌کردند. ام‌عطیه گزارش کرده است که ما به خارج شدن در روز عید امر شدیم و زنان باکره و حائض نیز خارج شدند. زنان پشت سر مردان تکبیر می‌گفتند و مانند آنان برای برکت و پاکیزگی دعا می‌خواندند (بخاری، بی‌تا، ج۲، ص۷).

دانسته است که زن حائض، مکلف به ادای نماز نیست؛ بااین‌حال حضور اجتماعی بانوان تا بدان پایه اهمیت دارد که به ایشان و دیگر زنان خلوت‌نشین دستور داده شد که در دو عید یادشده خارج شوند تا شاهد اجتماع مسلمانان باشند (مسلم، ۱۴۱۲، ج۲، ص۶۰۶).

گزارش ام‌سنان اسلمیه نیز شرکت زنان به همراه رسول خدا ﷺ در نمازهای جمعه و عیدین را تأیید می‌کند (ابن‌حجر عسقلانی، ۱۴۱۵، ج۸، ص۴۱۲). این حضور، تنها به اجتماعات روزانه، بزرگ و خاص محدود نمی‌شد؛ بلکه پیامبر ﷺ به مسلمانان توصیه کرده بود

هنگامی که زنان از شما اجازه خواستند در نماز جماعت شرکت کنند، مانع آنان نشوید (متقی هندی، ۱۴۰۱، ج۱، ص۲۱۱). پیامبر ﷺ حتی این توصیه را به نمازهای جماعت شبانه نیز سرایت داده بود (بخاری، بی‌تا، ج۱، ص۲۱۰).

به‌طورکلی، نقش زنان در آیین‌های اجتماعی، از عصر جاهلی تا دوران نبوی، تغییرات قابل‌توجهی را تجربه کرد. درحالی‌که زنان در عصر جاهلی با محدودیت‌ها و فشارهای اجتماعی مواجه بودند، با ظهور اسلام و تأسیس اصول اجتماعی اسلامی، آنها به‌عنوان شخصیت‌های مستقل و فعال در عرصه‌های اجتماعی شناخته شدند. این تحولات نه‌تنها به بهبود وضعیت اجتماعی زنان منجر شد؛ بلکه به ارتقای جایگاه آنان در جامعه اسلامی نیز کمک شایانی کرد.

نتیجه‌گیری

جامعه عرب پیش از اسلام، با نادیده گرفتن حیثیت انسانی زنان و تقلیل آنان به ابزاری در خدمت منافع قبیله‌ای، مشارکت اجتماعی‌شان را به حاشیه رانده بود. ازاین‌رو حضور زنان در پیمان‌ها و بیعت‌ها، محدود به نخبگان اشرافی و گاه استثنایی بود؛ درحالی‌که در جنگ‌ها به‌عنوان غنیمت جنگی، مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفتند. در عرصه تجارت نیز هرچند تجارت زنان پذیرفته شده بود، اما بدون استقلال مالی و حقوقی عمل می‌کردند.

آیین‌های عبادی همچون حج نیز با آمیختگی خرافات و اعمال ناشایست، مانند برهنگی، جنبه‌ای تحقیرآمیز به حضور زنان می‌بخشید. بااین‌حال، اسلام با دگرگونی بنیادین مبانی معرفتی نگاه به زن ـ از ابزاری بودن، به انسانی مستقل و دارای کرامت الهی ـ این الگوها را دگرگون ساخت: مشارکت زنان در بیعت‌ها نه‌تنها عام‌تر و فراگیرتر گردید، بلکه در قرآن به‌عنوان حقی الزامی و برابر با مردان تبیین شد. این امر، ساختارهای اجتماعی را به سمت برابری جنسیتی سوق داد و پیامدهایی چون تقویت همبستگی جمعی و کاهش سلطه قبیله‌ای را در پی داشت. حضور ابزاری در جنگ‌های جاهلی، به نقش‌های مؤثر و پشتیبان در عصر نبوی، ازجمله نقش‌های درمانی، اطلاع‌رسانی و حتی جهادی تبدیل شد که این تحول، با تأکید بر شایستگی فردی، زمینه‌ساز ارتقای اعتمادبه‌نفس اجتماعی زنان گردید. در حوزه تجارت، اسلام نه‌تنها استقلال مالی زنان را با احکام فقهی تأیید کرد؛ بلکه با راهنمایی‌های پیامبرﷺ، ازجمله تشویق به دادوستد عادلانه، فرصت‌های نوینی برای مشارکت اقتصادی مستقل پدید آورد که این امر به نوبه خود، تحرک اجتماعی و اقتصادی جوامع اسلامی را افزایش داد. همچنین زدودن خرافات از حج از سوی پیامبرﷺ، نه‌تنها این آیین را از آلودگی‌های جنسیتی پاک کرد؛ بلکه حضور زنان را به نمادی از عبادت خالص و برابرانه بدل ساخت که پیامد فرهنگی آن، بازسازی هویت جمعی بر پایه توحید و عدالت بود.

این دگرگونی‌ها، که با رسمیت‌بخشی به نقش‌های پیشین (مانند تجارت)، تغییر ماهوی در برخی دیگر (مانند حضور در جنگ و بیعت) و تأسیس فرصت‌های نو (مانند استقلال حقوقی در مشارکت‌های اجتماعی) همراه بود، جایگاه اجتماعی زنان را به طور بنیادین ارتقا داد و مدعای اصلی تحقیق ـ مبنی‌بر تحول‌آفرینی اسلام در ساختارهای جنسیتی ـ را تأیید می‌کند. بااین‌وجود باید اذعان داشت که سنت‌های قبیله‌ای و بقایای فرهنگی جاهلی، همچون تأکید بر محافظه‌کاری در برخی جوامع، گاه مانع از تحقق کامل این توانایی‌ها می‌شود و بر ضرورت بازخوانی مداوم آموزه‌های اسلامی برای غلبه بر چنین موانعی تأکید می‌ورزد.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن‌أبی‌خطاب، محمد (۱۴۲۴ق)، جمهرة أشعار العرب، تحقیق: علی حسن فاعور، بیروت: دار الکتب العلمیة.

۲. ابن‌اثیر، عزالدین علی بن محمد بن عبدالکریم الشیبانی الجزری (۱۳۸۵ق)، الکامل فی التاریخ، بیروت: دار صادر.

۳. ـــــــــ (۱۴۰۹ق)، أسد الغابة فی معرفة الصحابة، بیروت: دار الفکر.

۴. ابن‌أنباری، محمدبن‌قاسم (بی‌تا)، شرح القصائد السبع الطوال، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، بی‌جا: دار المعارف.

۵. ابن‌ثابت، حسان (۱۹۷۴م)، دیوان حسان بن‌ثابت، تحقیق: ولید عرفات، بیروت: دار صادر.

۶. ابن‌حجر عسقلانی، أحمدبن‌علی (۱۴۱۵ق)، الإصابة فی تمییز الصحابة، تحقیق: عادل أحمد عبدالموجود و علی محمد معوض، بیروت: دار الکتب العلمیة.

۷. ابن‌سعد، محمدبن‌سعد کاتب الواقدی (بی‌تا)، الطبقات الکبری، بیروت: دار صادر.

۸. ابن‌عبدالبر، أبوعمر یوسف بن عبدالله بن محمد (۱۴۱۲ق)، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، تحقیق: علی محمد البجاوی، بیروت: دار الجیل.

۹. ابن‌فورجه، محمدبن‌محمد (۱۹۸۷م)، الفتح علی ابن الفتح، بغداد: وزارة الثقافة والإعلام.

۱۰. ابن‌کثیر الدمشقی، إسماعیل بن عمر (۱۴۰۷ق)، البدایة و النهایة، بیروت: دار الفکر.

۱۱. ابن‌منظور، محمدبن‌مکرم (بی‌تا)، لسان العرب، بیروت: دار صادر.

۱۲. ابن‌هشام الحمیری، عبدالملک (بی‌تا)، السیرة النبویة، تحقیق: مصطفی السقا و إبراهیم الإبیاری، بیروت: دار المعرفة.

۱۳. ابوالفرج الأصفهانی، علی‌بن‌حسین (۱۴۱۵ق)، الأغانی، بیروت: دار إحیاء التراث العربی.

۱۴. ابوعبیده، معمربن‌مثنی (۱۹۹۸م)، شرح تفاضل جریر و الفرزدق، تحقیق: محمد إبراهیم حور، أبو ظبی: المجمع الثقافی.

۱۵. أبی‌داود سجستانی، سلیمان بن الأشعث بن إسحاق بن بشیر بن شداد بن عمرو (۱۴۳۰ق)، سنن أبی‌داود، تحقیق: شعیب الأرنؤوط و محمد کامل قره بللی، دمشق: دار الرسالة العالمیة.

۱۶. البحتری، ولیدبن‌عبید (۱۴۲۸ق)، الحماسه، ابوظبی: هیئه ابوظبی للثقافه و التراث.

۱۷. بخاری، محمدبن‌إسماعیل (بی‌تا)، صحیح البخاری. بی‌جا: بی‌نا.

۱۸. بلاذری، أحمد بن یحیی بن جابر (۱۴۱۷ق)، أنساب الأشراف، تحقیق: سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت: دار الفکر.

۱۹. خراسانی پاریزی، ابراهیم (۱۳۹۹ش)، «بررسی جایگاه زنان در سیره حکومتی پیامبرﷺ»، مسکویه، ش۵۳، ص۱۸-۲۹.

۲۰. رازی، ابوالفتوح حسین‌بن‌علی (۱۴۰۸ق)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، تصحیح: محمدجعفر یاحقی و محمدمهدی ناصح، مشهد: آستان قدس رضوی.

۲۱. رضوانی‌کیا، محمود؛ سلیم، محمدنبی و اشرفی، احمد (۱۳۹۹ش)، «جایگاه اجتماعی زنان در گذار از دوران جاهلی به اموی»، پژوهش‌نامه تاریخ، ش۶۱، ص۴۹-۶۵.
۲۲. سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۰۴ق)، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم: کتابخانه آیة‌الله العظمی مرعشی نجفی.
۲۳. طبرسی، فضل‌بن‌حسن (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تصحیح: فضل‌الله یزدی طباطبایی وهاشم رسولی، تهران: ناصر خسرو.
۲۴. طبری، محمدبن‌جریر (۱۳۸۷ق)، تاریخ الأمم والملوك، تحقیق: محمد أبوالفضل إبراهیم، بیروت: دار التراث.
۲۵. قمی، علی‌بن‌إبراهیم (۱۴۰۴ق)، تفسیر القمی، تصحیح: سیدطیب موسوی جزائری، قم: دار الکتاب.
۲۶. کلینی، محمدبن‌یعقوب (۱۴۱۱ق)، أصول الکافی، تصحیح: محمد جعفر شمس‌الدین، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
۲۷. متقی هندی، علاءالدین (۱۴۰۱ق)، کنزالعمال فی سنن الأقوال والأفعال، تحقیق: بکری حیانی و صفوه السقا، بی‌جا: مؤسسة الرسالة.
۲۸. مرزوقی اصفهانی، أحمدبن‌محمد (۱۴۲۴ق)، شرح دیوان الحماسة، تحقیق: غرید شیخ، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۲۹. مسلم‌بن‌حجاج (۱۴۱۲ق)، صحیح مسلم. قاهره: دار الحدیث.
۳۰. واقدی، محمدبن‌عمر (بی‌تا)، المغازی. بی‌جا: الأعلمی.
۳۱. یعقوبی، أحمد بن أبی‌یعقوب بن جعفر بن وهب واضح (بی‌تا)، تاریخ الیعقوبی، بیروت: دار صادر.